

پژوهشی در تنوع واژگان شعری

مطالعه موردی؛ اشعار رهی معیری، هوشنگ ابتهاج و فریدون مشیری

دکتر ابراهیم اناری بز چلوئی^۱، احمد امیدوار^۲

چکیده

سبک‌شناسی آماری کمک شایانی به روش‌مندی و علمی شدن پژوهش‌های ادبی کرده است. ثروت لغوی‌ای که شاعر یا نویسنده در اثر خویش به کار می‌گیرد از ویژگی‌های سبک و ساختار اثر ادبی است. یکی از روش‌هایی که برای شناخت این ثروت لغوی به کار می‌رود نظریه جانسون است. این روش با بهره‌گیری از علم آمار و با رویکرد میان‌رشته‌ای در پی نزدیک شدن به صحت و دقت بیشتر است. در این جستار سعی شده است تا با بهره‌گیری از شیوه کَمّی "جانسون" به بررسی مسأله تنوع واژگان در سبک شعری رهی معیری، هوشنگ ابتهاج و فریدون مشیری پرداخته شود. در پایان پژوهش مشخص شد که سبک شعری رهی معیری از تنوع واژگانی بیش‌تری نسبت به دو شاعر دیگر برخوردار است. هم‌چنین سبک شعری فریدون مشیری دارای تنوع واژگانی بیش‌تری نسبت به سبک شعری هوشنگ ابتهاج است.

کلیدواژه‌ها: سبک‌شناسی، تنوع واژگان، رهی معیری، هوشنگ ابتهاج،

فریدون مشیری.

مقدمه

هنگامی که شاعر به تجربه روحی ویژه‌ای می‌رسد، در صدد آن برمی‌آید که تجربه شخصی خویش را به دیگران منتقل کند تا در آن‌ها تأثیر و احساسی شبیه آنچه در خودش رخ داده ایجاد کند، از این روی به سراغ ابزار انتقال این تجربه می‌رود و خویشتن را در برابر امکانات زبانی گوناگون مانند واژگان، ترکیب‌های ویژه، تشبیه، مجاز و آرایه‌های لفظی و معنوی می‌یابد و با توجه به توانایی‌های خویش و مخاطبانش و قدرت‌های نهفته در زبان، شروع به گزینش شیوه‌های تعبیر می‌کند. از آنجایی که جلوه‌گاه تمام این شیوه‌های تعبیر، واژه‌ها هستند باید پذیرفت که واژه‌ها نقش اصلی را در انتقال عواطف و اندیشه‌های شاعران بازی می‌کنند. گزینش آن‌ها امر بسیار مهم و بیان‌گر توانایی و غنای ذخیره لغوی مؤلف است. ثروت لغوی یا دایره واژگانی که شاعر یا نویسنده در اثر خویش به کار می‌گیرد، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سبک و ساختار اثر وی است و از فصاحت و بلاغت وی در تألیف ادبی پرده برمی‌دارد. به رغم این که در پژوهش‌های ادبی توجه به اصطلاح ثروت لغوی شعری (Poetic Diction) شیوع بیش‌تری دارد اما شمول آن فراتر از شعر، نثر را نیز در بر می‌گیرد؛ چرا که، چه شاعر و چه نویسنده در خلق اثر ادبی برای تبیین احساس خویش، از ثروت لغوی (Vocabulary Richness) مختص به خود استفاده می‌کند. بررسی و پژوهش این ثروت لغوی می‌تواند مهم‌ترین نشانه‌های سبک و ساختار تألیف شاعر یا نویسنده را آشکار سازد. دایره لغت شاعر یا نویسنده به منزله یاخته‌های زنده‌ای هستند که خالق اثر، آن‌ها را در آفرینش پیکر ادبی به کار می‌گیرد؛ به نحوی که سبک و ساختاری را برای او ترسیم می‌کند که ویژه خود اوست.

ثروت واژگانی شاعران و نویسندگان از دو جهت قابل بررسی است.^۱ از این رو انتظار می‌رود که به هنگام مقایسه چند سبک با یک‌دیگر، آن‌ها در یکی یا در هر دوی

آنها با هم تفاوت داشته باشند. به طور عام دو گونه ثروت واژگانی شناخته شده است که برای پیش‌گیری از اشتباه با یک‌دیگر، آنها را ذکر می‌کنیم:

۱. حجم واژگانی که شاعر یا نویسنده آنها را می‌شناسد و به هنگام شنیدن یا خواندن آنها، معنایشان را در می‌یابد.

۲. حجم واژگانی که به صورت عملی در هنگام تألیف یک متن به کار می‌برد.

روشن است که حجم واژگانی که یک مؤلف می‌شناسد بسیار بیش‌تر از حجم واژگانی است که در هنگام تألیف یک متن ادبی به کار می‌برد. برای بررسی حجم واژگان نوع اول و مقایسه آن با حجم واژگان دیگر، شیوه‌های آماری فراوانی وجود دارد. از جمله آنها این است که به صورت مستقیم از خود مؤلف معنای واژگان در پرسش‌نامه‌های خاصی پرسیده شود و بدین شیوه با کمک نویسنده، حجم ثروت واژگانی او تا حدی مشخص شود (رک. مصلوح، ۱۹۹۲م: ۸۷) اما برای بررسی حجم ثروت واژگانی نوع دوم باید به آثار نویسنده و یا شاعر مراجعه کرد.

تنوع واژگان (Vocabulary Diversification) یکی از ویژگی‌های سبک شعری یا نثری است که با مقایسه آن با تنوع واژگان دیگر متن‌ها به کمک داده‌های آماری می‌توان به دو سؤال پاسخ داد:

۱. کدام یک از این متن‌ها به هنگام مقایسه با یک‌دیگر از ثروت واژگانی نسبی

بیش‌تری برخوردار است؟

۲. چگونه مؤلف واژگان متنوع را در تألیف متن به کار می‌گیرد؟

به هر حال برای دریافت بهتر و روشن شدن موضوع این تحقیق با توجه به مقدماتی

که ذکر شد وارد بحث می‌شویم.

بحث و بررسی

الف) تعاریف و اصطلاحات

در آثار ادبی فارسی به جای به کار بردن واژه "سبک" از واژگان دیگری به مانند شیوه، طرز و مانند آن استفاده کرده‌اند. به عنوان مثال عنصری در ستایش سبک غزل‌های رودکی چنین می‌سراید:

«غزل رودکی وار زیبا بود غزل‌های من رودکی وار نیست»
(عنصری، ۱۳۴۲: ۳۰۳)

هم اوست که علاقه‌مند به تقلید از سبک رودکی است ولی به اظهار خویش قادر نیست غزل‌هایی همانند رودکی بسراید:

«اگر چه بکوشم به باریک وهم بدین پرده اندر مرا بار نیست»
(همان)

و خاقانی نیز چنین می‌سراید:

«منصفان استاد داندم که در معنی و لفظ شیوه تازه نه رسم باستان آورده‌ام»
(خاقانی، ۱۳۷۳: ۱۹۷)

و نظامی گنجوی نیز بیان می‌کند که اهل معانی تفاوت سبک شعری را می‌شناسند:

«بلی آن کز معانی با نصیب است بدانند کاین سخن طرزی غریب است»
(نظامی، ۱۳۸۶: ۵۰۸)

و مولانا نیز می‌گوید:

«از قرآن بوی خدا می‌آید، از حدیث بوی مصطفی می‌آید و از کلام ما بوی ما می‌آید» (الانفلاکی، ۱۳۶۲: ۴۵۱) این گفتار، سخن "بوفن" را به یاد می‌آورد که «سبک، خود نویسنده است» (سمیعی گیلانی، ۱۳۸۶: ۵۵).

پژوهش در خصوص سبک‌شناسی، بدون درکی درست از مفهوم سبک امری بیهوده به نظر می‌رسد از این روی پژوهش‌گرانی که خواسته‌اند پیرامون سبک‌شناسی مطالبی

را به رشته تحریر درآوردند یا به تعریف مفهوم سبک پرداخته‌اند و یا تعریف دیگران را یادآور شده‌اند؛ البته شایان ذکر است که پژوهش و تخصص‌های آن‌ها در این تعریف‌ها مؤثر بوده به عنوان نمونه کسی که مطالعه روان‌شناسی یا نقد ادبی روان‌شناسانه داشته از این منظر به مفهوم سبک نگریسته و شخصی که تخصص زبان‌شناسی داشته بر جنبه‌های زبانی در تعریف مفهوم سبک بیش‌تر تکیه کرده است. به هر حال آنقدر تعریف‌های متفاوتی از سبک ارائه شده که برخی بالغ بر سی تعریف از آن را در پژوهش‌هایشان آورده‌اند (رک. فضل، ۱۹۹۱م: ۹۵) و برخی دیگر به دلیل ازدحام این همه تعریف، صورت مسأله را پاک کرده و وجود چیزی به نام سبک را انکار کرده‌اند (رک. Gray, 1974: 48). در این میان گروهی نیز تلاش کرده‌اند تا با برقراری آشتی میان تعریف‌های مختلف، به تعریف مناسب و کاملی از آن برسند و یا نقطه‌های مشترک میان این تعریف‌ها را بیان کنند. با دقت در تعریف‌های ارائه‌شده از سبک متوجه می‌شویم که دانشمندان از سه زاویه به مفهوم سبک نگریسته‌اند:

الف - ۱) از زاویه فرستنده کلام

کسانی که به مفهوم سبک از این زاویه نگریسته‌اند، آن را بازتاب نگرش خاص هنرمند به جهان بیرون و درون می‌دانند (رک. شمیسا، ۱۳۷۵: ۱۵) و سبک را کاشف شیوه اندیشه و احساس ادیب می‌دانند، مانند افلاطون که باور دارد، سبک انسان‌ها همانند طبع‌های آن‌هاست (رک. خفاجی و دیگران، ۱۹۹۲م: ۱۴) و عده‌ای دیگر آن را حاصل گزینش هنرمند می‌دانند و می‌گویند: سبک، مظهر گزینش شاعر از ادات تعبیر است (رک. فضل، ۱۹۹۱م: ۱۲۶). سبک بر گزینش استوار است، گزینش این قسمت یا آن قسمت در سطوح گوناگون زبانی مثل سطوح معنایی، واژه‌ای، دستوری و آوایی زبان. در نتیجه هر متن دارای ویژگی‌های خاصی خواهد بود که فرد در تمامی این سطوح انجام می‌دهد و روی هم رفته سبک ویژه متن را رقم می‌زند (رک. مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۱۰۵).

الف - ۲) از زاویه گیرنده کلام

برخی از سبک‌شناسان به واکنش‌هایی که در، گیرنده سخن توسط متن ایجاد می‌شود اهتمام دارند. فالیری می‌گوید: «سبک قدرت و تأثیر عبارت است» (ابن ذریل، ۲۰۰۰م: ۴۴). میخائیل ریفاتر (Michael Riffaterre) یکی از پیشگامان این گرایش، باور دارد که سبک نیروی فشارآوری است که توسط ابراز برخی از عناصر کلام بر حساسیت خواننده چیره می‌شود (رک. مصلوح، ۱۹۹۲م: ۴۲).

الف - ۳) از زاویه خود متن

برخی از زاویه خود متن به مفهوم سبک می‌نگرند و آن را بروز ویژگی‌ها و توان‌های نهفته در زبان می‌دانند. چارلز بالی (Charels Bally, 1865-1945) باور دارد که سبک، انفجار توان نیروی تعبیری پنهان در واژه‌ها است (رک. فضل، ۱۹۹۱م: ۹۷) برخی از طرفداران این گرایش، سبک را حاصل انحراف و خروج از هنجارهای متعارف زبان می‌دانند (رک. شمیسا، ۱۳۷۵: ۳۲)، برخی دیگر، سبک را "اضافه کردن (Addition)" می‌بینند که کلام را از بی‌طرفی به جهت خاصی سوق می‌دهد؛ به عنوان مثال ماروزو (Marouzeau) باور دارد که سبک، آن است که نویسنده چیزی را برگزیند که کلام را از بی‌طرفی زبانی به سمت کلام خطابی ویژه سوق دهد (رک. ابن ذریل، ۲۰۰۰م: ۴۴). اختلاف‌ها در تعریف مفهوم سبک مربوط به درستی یا نادرستی نیست بلکه سخن از زاویه نگرش و کمال و نقصان این تعریف‌هاست. باور ما این است تعریفی که از تمام این زوایا به سبک بپردازد، تعریف جامع و درستی خواهد بود. سبک‌شناسی در زبان‌های گوناگون محل اهتمام پژوهش‌گران بوده و هست. آن را در انگلیسی (Stylistics) و در زبان فرانسوی (Lastylistique) و در زبان آلمانی (Diestylistik) نام نهاده‌اند (رک. عیاد، ۱۹۸۲م: ۱۲۶). در خصوص این که سبک‌شناسی دانش کاملاً جدیدی است یا این که می‌توان ریشه‌های آن را در دیگر دانش‌های قدیمی به ویژه بلاغت یافت، جای بحث است ولی به هر حال ریشه‌های سبک‌شناسی مدرن را می‌توان

در آثار چارلز بالی و لئو اسپترز (۱۹۶۰-۱۸۸۷ م.) یافت. بالی در کتاب خویش به نام "مختصر سبک‌شناسی (۱۹۰۵ م.)" (Pye Cisse Stylistique) به توصیف و تحلیل ویژگی‌های سبکی عمومی در دسترس زبان تأکید می‌کند و متون ادبی را نمونه‌های ویژه‌ای از کاربرد زبان می‌داند، ولی تحلیل سبک آن‌ها را، بخش اصلی سبک‌شناسی به معنای امروزی آن نمی‌داند. این کوشش بالی و تحقق آن در اثر ژول ماروزو "مختصر سبک‌شناسی فرانسوی (۱۹۴۶ م.)" و مارسل کرسو "سبک‌شناسی و فنون آن" در شکل‌گیری سبک‌شناسی ادبی اثر فراوانی داشت (رک. قبادی، بی تا: ۱۱۳).

برخی، سبک‌شناسی را شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی می‌دانند که هدفش هماهنگ‌سازی ساختار زبان است (رک. التنجی، ۲۰۰۳ م: ۴۳-۴۴). برخی نیز معتقدند که سبک‌شناسی پنج حوزه دارد: ۱. سبک‌شناسی آوایی؛ ۲. سبک‌شناسی کاربردی؛ ۳. سبک‌شناسی بیانگرانه؛ ۴. سبک‌شناسی نحوی و دستور زبانی؛ ۵. سبک‌شناسی آماری (رک. السقیلی، ۲۰۰۵ م: ۴۷). "سعد مصلوح" منتقد مصری معتقد است که این نوع اخیر از عالمانه‌ترین و دقیق‌ترین مکتب‌های نقدی است (رک. مصلوح، ۱۹۹۲ م: ۱۸) باور ما این است که اگر چه ادبیات نوعی از هنر است اما پژوهش‌های ادبی هم باید از نظم قابل قبولی برخوردار باشد. "احمد شایب" منتقد مصری معتقد است که نقد همانند علوم تجربی و علوم ریاضی مانند حساب و هندسه و جبر نیست (رک. الشایب، ۱۹۹۵ م: ۱۷۶) بلکه چیزی بین هنر و علم است (رک. همان: ۱۶۵). سبک‌شناسی آماری کمک شایانی به روشمند و علمی شدن پژوهش‌های ادبی کرده است. البته پژوهش به شیوه سبکی - آماری مخالفانی نیز دارد، از جمله آنان می‌توان به "محمد حماسه عبداللطیف" منتقد مصری اشاره کرد که معتقد است پژوهش‌گران در این رویکرد میان‌رشته‌ای فقط با یک جنبه از جنبه‌های اثر ادبی "شمارش واژگان و یا بررسی مسائل نحوی و دستوری" تعامل دارند و سبک‌شناسی را به یک علم خشک و بی‌روح مبدل کرده‌اند ولی خود وی نیز به جنبه‌های مثبت این رویکرد میان‌رشته‌ای اعتراف می‌کند و آن را می‌ستاید، چرا

که عدم تقلید از نقد سنتی که تمام اهتمام آن معطوف به بررسی آبخورهای فکری و مسأله‌هایی از قبیل تأثیر و تأثر و مسأله‌های سیاسی و اجتماعی است، از نکته‌های بارز آن به‌شمار می‌رود (رک. عبداللطیف، ۲۰۰۱: ۲۸).

ب) مراحل پژوهش نظریه "جانسون"

روش‌های زیادی برای مقایسه تنوع واژگان معرفی شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به شیوه کارل (Carool) و جانسون (jahnson) اشاره کرد. البته در اینجا قصد معرفی همه این شیوه‌ها را نداریم؛ چرا که این مطلب، مجال جداگانه‌ای را می‌طلبد. شیوه‌ای را که در این پژوهش به کار بسته‌ایم، روش جانسون است. جانسون پژوهش‌گر معاصر امریکایی است که در حوزه سبک‌شناسی و زبان‌شناسی فعالیت می‌کرد. از آثار وی دو کتاب "زبان و عادات صحیح کلام" (Language and Speech Hygiene) و "مردم در تنگنا" (People in Quandaries) را می‌توان نام برد. وی معتقد است که با شمارش و اجرای برخی از فرایندها می‌شود سبک مؤلفان را در میزان و چگونگی گزینش واژگان شناخت. مراحل را که برای شناخت سبک واژگان مؤلفان معرفی می‌کند شامل موارد زیر می‌شود:

۱. انتخاب نمونه‌هایی از اثر ادبی شعری یا نثری که پژوهش بر روی آن‌ها انجام می‌پذیرد.

۲. تعریف واژه و معیار تنوع و تکرار آن و روش‌های تعیین واژگان متنوع و تکراری در نمونه‌ها. مسأله مهمی که در این مرحله به آن خواهیم پرداخت اختصاص به تعریف اصطلاح "واژه" دارد که در تعیین حجم نمونه‌ها ملاک و معیار است. یعنی باید خود مفهوم "واژه" و معیارهای تنوع و تکرار آن را مشخص کنیم.

۳. روش‌های محاسبه نسبت تنوع واژگان که خود این مرحله شامل موارد ذیل می‌شود:

پژوهشی در تنوع واژگان شعری • دکتر ابراهیم اناری بزچلوئی، احمد امیدوار • صص ۵۷-۳۱ □ ۳۹

- نسبت کلی تنوع واژگان: در این مرحله نسبت واژگان متنوع با نسبت کلّ متن انتخابی محاسبه می‌گردد. این امر مشخص می‌کند که چه میزان و چند درصد نمونه را واژگان متنوع و تکراری تشکیل می‌دهند.

- مقدار میانگین نسبت تنوع واژگان: در این مرحله مشخص می‌شود که در هر جزء از نمونه انتخاب شده (نه کلّ نمونه)، چه میزان واژه متنوع و تکراری وجود دارد.

- نمودار کاهش پلکانی تنوع واژگان: این نمودار مشخص می‌کند که ثروت واژگانی هر شاعر در هر جزء از نمونه (نه کلّ نمونه)، چگونه کاهش می‌یابد و هر شاعر به هنگام تألیف هر جزء از متن چگونه از ذخیره لغوی خویش استفاده می‌کند.

- نمودار تراکم تنوع واژگان: این نمودار مشخص می‌کند که ثروت واژگانی هر شاعر در طول کلی نمونه، چگونه کاهش می‌یابد و هر شاعر به هنگام تألیف کلّ متن چگونه از ذخیره لغوی خویش استفاده می‌کند.

- نتایج مقایسه که به صورت جداول و نمودارهای خاصی مشخص می‌گردد: در این مرحله سبک هر سه شاعر را با توجه به اعداد به دست آمده از مراحل فوق و نمودارها با یکدیگر مقایسه کرده و تفاوت‌های معنادار آن را شرح می‌دهیم.

- تحلیل نتایج مقایسه

ب - ۱) مرحله اول: انتخاب نمونه‌های مورد پژوهش

این پژوهش به بررسی نمونه‌های شعری سه تن از شعرای بزرگ ادب معاصر فارسی رهی معیری، فریدون مشیری و هوشنگ ابتهاج می‌پردازد. نمونه‌های پژوهش ما شامل موارد زیر می‌شود:

۱. سه هزار واژه از اشعار رهی معیری (معیری، ۱۳۷۹: ۳۱ تا ۶۶).

۲. سه هزار واژه از اشعار هوشنگ ابتهاج (ابتهاج، ۱۳۸۵: ۱۷ تا ۷۰).

۳. سه هزار واژه از اشعار فریدون مشیری (مشیری، ۱۳۷۶: ۱۷ تا ۷۴).

شرح حال رهی معیری، هوشنگ ابتهاج و فریدون مشیری

محمدحسن معیری متخلص به "رهی" از غزل‌سرایان بنام معاصر است که در سال ۱۲۸۸ شمسی، زاده شد و به سال ۱۳۴۷ شمسی، در تهران درگذشت. وی در بیرون از مرزهای ایران به‌ویژه پاکستان و افغانستان شهرت بسیاری دارد. او به اشعار سعدی، نظامی، مولوی و حافظ توجه خاص داشت و از آن‌ها تأثیر پذیرفت. مجموعه اشعار وی با عنوان "سایه عمر" چاپ شده است (رک. یاحقی، ۱۳۸۷: ۱۸۴).

هوشنگ ابتهاج متخلص به "ها. سایه" در سال ۱۳۰۶ شمسی در رشت به دنیا آمد. نخستین مجموعه اشعار او با عنوان "نخستین نغمه‌ها" چاپ شد (رک. زرقانی، ۱۳۸۷: ۲۷۹) غزل‌های وی از اشعار خوب و خواندی شعر پارسی به شمار می‌آید و یادآور شیوه حافظ است. وی را "حافظ زمانه" نیز نامیده‌اند (رک. یوسفی، ۱۳۷۰: ۷۶۱) از مجموعه اشعار وی می‌توان به "سراب"، "شبگیر"، "سیاه مشق" و "زمین" اشاره کرد (رک. عابدی، ۱۳۷۷: ۱۴۴).

فریدون مشیری از شعرای معاصر مشهور ایران در سال ۱۳۰۵ شمسی در تهران به دنیا آمد. نخستین دیوان شعر وی با عنوان "تشنه طوفان" چاپ شد (رک. زرقانی، ۱۳۸۷: ۴۷۵) وی هر چند شعر اجتماعی نیز سروده است ولی اشعارش به طور کلی بیش‌تر روح و لحن غنایی دارد (رک. یوسفی، ۱۳۷۰: ۷۴۴) از جمله آثار وی می‌توان "گناه دریا"، "ابر و کوچه"، "بهار را باور کن" و "راز خاموشی" را نام برد (رک. زرقانی، ۱۳۸۷: ۴۷۶).

در پژوهش‌ها به دو دلیل نمونه انتخاب می‌شود:

۱. محال بودن شمارش جامعه آماری. به عنوان مثال اگر دانشمندان بخواهند تعداد ستارگان آسمان را به دست آورند باید آن‌ها را بشمارند؛ ولی تعداد آن‌ها به حدی زیاد است که اگر یک انسان در تمام طول عمر، هر شب را به شمردن ستارگان بگذارند عمرش کفاف نخواهد داد این تعداد را بشمارد. این امر در شرایطی است که ستارگان هم، ثابت باشند و تغییر جای ندهند و انسان فراموش نکند کدام را شمرده و کدام را نه.

در چنین شرایطی محال بودن این امر بارزتر خودنمایی می‌کند.

۲. دشواری شمارش همهٔ جامعهٔ آماری. مانند در دسترس نبودن تمام اعضای آن یا وقت‌گیر بودن شمارش همه یا گران تمام شدن این کار یا از بین رفتن اعضای جامعه و مانند آن. تفاوت این مورد با مورد پیشین در این است که در اینجا از نظر عقلی و عرفی بررسی همهٔ جامعهٔ آماری (مثلاً دیوان یک شاعر) محال نیست بلکه بسیار سخت است. به عنوان نمونه، بررسی تنوع واژگان همهٔ دیوان یا آثار یک مؤلف آن قدر وقت‌گیر و طاقت‌فرسای خواهد بود که پژوهش‌گران از وارد شدن به این حوزه‌ها اجتناب خواهند کرد.

در این پژوهش نیز به همین دلیل دست به انتخاب نمونه اشعار زده‌ایم، زیرا بررسی تمام اشعار این شاعران وقت و تلاش بسیار زیادی را می‌طلبد که در این مدت شدنی نیست و به قول قدما "دو صد من استخوان خواهد صد من بار برداشتن". البته در انتخاب نمونه‌ها می‌توان شروطی را رعایت کرد که به صحت پژوهش کمک می‌کند:

ب - ۱ - ۲) شروط به‌گزینی انتخاب نمونه‌ها

در این بخش شروطی را ذکر می‌کنیم که اگر چه الزام‌آور نیستند اما کمک شایانی به صحت پژوهش می‌کند:

۱. گزینش نمونه‌ها تصادفی باشد؛

۲. نمونه‌های مورد گزینش، پیرامون موضوع واحدی باشند؛

۳. شاعران یا نویسندگان هم‌عصر و یا از سبک ادبی مشابهی برخوردار باشند؛

۴. در نمونه‌های شعری، قصیده‌ها به طور کامل انتخاب شوند و بیت‌ها پراکنده و یا

جزئی از قصائد انتخاب نشود.

ب - ۲) مرحله دوم: معنای واژه و معیار تنوع و تکرار آن

مسألهٔ مهمی که در این بخش به آن خواهیم پرداخت، اختصاص به تعریف اصطلاح "واژه" دارد که در تعیین حجم نمونه‌ها ملاک و معیار است. تعریف این اصطلاح تلاش

فراوان دانشمندان جدید زبان‌شناسی را در پی داشته است تا جایی که برخی از تعیین دقیق معنای آن نومید شده و در وجود معنای خاصی برای آن شک کرده‌اند و آن را توهم علم زبان‌شناسی نامیده‌اند (رک. حلمی، ۱۹۸۰م: ۳۴).

چنین به نظر می‌رسد که برخی از این دانشمندان تلاش کرده‌اند که مفهوم واژه را در زبان شفاهی که به صورت یک شکل به هم پیوسته (Continuum) از عوامل صوتی گوناگون است، تعریف کنند و هم‌چنین تلاش کرده‌اند که این شکل به هم پیوسته را به اجزایی تقسیم کنند که خود این امر منشأ اختلاف بین آن‌ها شده است (رک. مصلوح، ۱۹۹۳م: ۹۰) ولی در خصوص زبان مکتوب، عادت و رسم‌های املائی واژه را بر اساس منطق خاصی تعیین می‌کنند و مقصود ما از واژه در این پژوهش، آن چیزی است که هنگام نوشتن به صورت شکل ویژه‌ای از حروف به صورت خطی با هم متصل هستند و بین آن‌ها و دیگر واژه‌ها، فاصله به نسبت بیش‌تری از هر دو جهت وجود دارد (رک. حلمی، ۱۹۸۰م: ۱۰۲-۱۰۴).

در معیارهای تنوع و تکرار واژگان شرط‌های الزام‌آوری وجود ندارد بلکه یک پژوهش‌گر می‌تواند یک واژه را متنوع به حساب آورد، در حالی که پژوهش‌گری دیگر آن را تکراری به شمار می‌آورد ولی این امر باید بر اساس دلایل منطقی باشد. معیارهای تنوع و تکراری که ما پیشنهاد می‌کنیم به شرح زیر است:

ب - ۲ - ۱) فعل (The Verb) را واژه واحدی محسوب کرده و نخستین بار ورود آن در متن به عنوان تنوع و موارد بعدی تکرار تلقی می‌گردد. صیغه‌های مختلف فعل از قبیل ماضی، مضارع، امر، مفرد، جمع، مذکر و مؤنث آن را تکرار محسوب می‌کنیم؛ البته فرقی نمی‌کند که این فعل‌ها در زمان‌های مختلف قیاسی هستند. مثل "جنگیدن"، "جنگید"، "می‌جنگد" یا آن که سماعی هستند مثل "سوختن"، "سوخت"، "می‌سوزد".

ب - ۲ - ۲) اختلاف اسم‌ها در خصوص مفرد و جمع بودنشان را تکرار محسوب می‌کنیم؛ مثل: "پروانه"، "پروانه‌ها"، "کتاب"، "کتاب‌ها"، "کتب".

ب - ۲ - ۳) اختلاف اسم‌ها در تذکیر و تأنیث را تکرار محسوب می‌کنیم. مگر زمانی که لفظ مؤنث با لفظ مذکر متفاوت است؛ به عنوان مثال "نادر" و "نادرة" را زمانی که صفت هستند، تکرار محسوب می‌کنیم اما، "زن" و "مرد" را تنوع در نظر می‌گیریم.

ب - ۲ - ۴) واژگانی را که به آن‌ها "یاء نسبت" ملحق می‌شود. نسبت به اصل واژه را تنوع محسوب می‌کنیم. همانند: "اصفهان"، "اصفهان"، "اصفهان"، "خاک"، "خاکی".

ب - ۲ - ۵) واژگانی را که اشتراک لفظی دارند ولی معنای آن‌ها با هم متفاوت است را تنوع محسوب می‌کنیم. مثل: "شیر" آشامیدنی، "شیر" حیوان معروف.

ب - ۲ - ۶) مصدرها و اسم مصدر و (کلمه‌های بر وزن اسم فاعل و مفعول و صفت مشبیه و اسم مبالغه که از زبان عربی به فارسی راه یافته است) را تنوع محسوب می‌کنیم اگر چه از یک مصدر باشند. مانند: "عالم"، "معلوم"، "علیم"، "علاّمه".

ب - ۲ - ۷) در زبان فارسی گاهی بعضی از حروف واژگان می‌افتد و کوتاه می‌شود مثل: "سپاه"، "سپه"، "شاه"، "شه"، "راه"، "ره". این کلمه‌های کامل و کلمه‌های مخفف را به عنوان تکرار در نظر می‌گیریم.

ب - ۲ - ۸) گاهی در ابتدای برخی از واژه‌ها الف اضافه می‌گردد. مثل: "شتر"، "اشتر"، "شکم"، "اشکم". این کلمه‌ها را نیز نسبت به هم تکرار در نظر می‌گیریم.

ب - ۲ - ۹) در زبان فارسی بعضی از حرف‌های واژه‌ها به یک‌دیگر تبدیل می‌شوند. همانند: "باز"، "واز"، "فیل"، "پیل"، "سفید"، "سپید" ما این کلمه‌ها را نسبت به هم تکرار در نظر می‌گیریم.

ب - ۲ - ۱۰) اسم مرکب را که از دو کلمه یا بیش‌تر ساخته می‌شود به عنوان کلمه واحدی در نظر می‌گیریم. مثل: "مهمان‌خانه". البته اسم مرکب ممکن است از ترکیب دو اسم مثل "گلاب" و یا دو فعل مثل "کشاکش" و اسم صفت، مثل "نوروز" و غیره ساخته شود، در اینجا فقط به چند مورد اشاره کردیم. برای ملاحظه انواع ترکیب‌های مذکور می‌توان به کتاب "دستور زبان فارسی" مراجعه نمود (رک. احمدی گیوی و انوری، ۱۳۸۵:

ب - ۲ - ۱۱) کلمه مصغر را نسبت به اصل کلمه تنوع در نظر می‌گیریم. مثل: "مرد" "مردک"، "طاق"، "طاقچه"، "باغ"، "باغچه"، "پسر"، "پسرو".

ب - ۲ - ۱۲) همه ضمیرها از قبیل، شخصی منفصل یا گسسته فاعلی و مفعولی مثل "من" و "مرا"، اگر از یک صیغه باشند، نسبت به هم تکرار به شمار می‌آید و آن ضمیرهایی را که پیوسته و متصل هستند و به کلمه‌ای چسبیده‌اند را با خود آن کلمه، یک کلمه در نظر می‌گیریم. مثل "م - یم می‌بردیم"، "ی - ید می‌برید" و یا مفعولی است مثل "م - بردم"، "ت - بردت"، "ش - بردش" و یا متصل به اسم مثل "کتابش" و یا متصل به ضمیر شخصی مثل "منش" و یا متصل به اسم شرط هستند مثل "گرت، گرش" یا متصل به صفت است. مانند: "اگر مهر نوت گشته پیدا".

ب - ۲ - ۱۳) اسم یا ضمیر اشاره مفرد و جمع آن را تکرار محسوب می‌کنیم. مثل: "این"، "اینان"، "این‌ها"، "آن"، "آنان"، "آن‌ها" که در میان متکلم و غایب مشترک است.

ب - ۲ - ۱۴) ضمیر مشترک را تکرار محسوب می‌کنیم. مثل: "من خود آمدم"، "او خود آمد"، "تو خود آمدی".

ب - ۲ - ۱۵) اقسام "که" و "چه" که گاهی موصول و گاهی حرف ربط و استفهام می‌آیند را، فرق گذاشته و آن‌ها را نسبت به یک‌دیگر تنوع در نظر می‌گیریم.

ب - ۳) مراحل تعیین واژگان متنوع

جانسون معتقد است که با محاسبه نسبت واژگان متنوع و مجموع کلی واژگان تشکیل‌دهنده متن، می‌توان حجم تنوع واژگان را در کل متن یا در جزئی از آن بررسی کرد. وی واژگان متنوع را "Type" [نوع]، همه واژگان انتخابی را "Tokens" [مجموع کلی واژگان] و نسبت واژگان متنوع به همه واژگان را "Type-Tokenration" [نسبت تنوع] و در اصطلاح "TTR" می‌نامد (رک. مصلوح، ۱۹۹۳م: ۹۱). در این روش هر واژه جدید را فقط یک بار به عنوان "نوع" محسوب می‌کنیم، ولی واژگان تکراری را به عنوان نوع در نظر نمی‌گیریم؛ چرا که هدف، رسیدن به واژگان متنوع در متن است نه واژگان

تکراری. برای رسیدن به این واژگان متنوع باید مراحل زیر را در نظر داشت:

ب - ۳ - ۱) هر نمونه که از سه هزار واژه تشکیل شده است را به سی جزء و هر جزء را به صد واژه تقسیم می‌کنیم.

ب - ۳ - ۲) جدول‌هایی را ترسیم می‌کنیم که تعداد خانه‌های آن حاصل ضرب 10×10 (ده در ده) است، بنابراین برای هر نمونه سی جدول باید ترسیم کرد.

ب - ۳ - ۳) واژگان نمونه را در این خانه‌ها به نحوی که هر واژه در خانه مستقلی قرار بگیرد، وارد می‌کنیم.

ب - ۳ - ۴) واژگان متنوع را در هر جدول از جداول سی‌گانه مشخص می‌کنیم. برای این امر باید یک‌یک واژگان یک جدول را به واژگان بعدی همان جدول ارجاع داد و واژگان تکراری را خط زد. بدین ترتیب واژگان خط‌نخورده، که همان واژگان متنوع یا "نوع" هستند، مشخص می‌گردند. عدد واژگان متنوع را در پایین هر جدول می‌نویسیم.

این روش فقط واژگان متنوع در یک جدول را نمایان می‌سازد و برای رسیدن به واژگان متنوع در تمام سی جدول، باید مرحله‌های زیر را انجام داد:

ب - ۳ - ۵) وارد کردن واژگان خط‌نخورده هر جدول در جدول دیگری که زیر آن ترسیم می‌شود.

ب - ۳ - ۶) هر واژه را به واژگان جداول بعدی ارجاع می‌دهیم و واژگان تکراری را خط می‌زنیم، بنابراین واژه‌های خط‌نخورده بیان‌گر واژگان متنوع در تمام سی جدول هستند. تعداد این جدول‌ها برای واژگان جدول اول، بیست‌ونه جدول می‌شود و برای واژگان جدول‌های بعدی به ترتیب از تعداد جدول‌هایی که باید هر واژه را به واژگان آن ارجاع داد، کاسته می‌شود و این ارجاع واژگان را تا پایان واژگان همه جدول‌ها ادامه می‌دهیم.

جدول ۱. نمونه جدول واژگان

جدول وارد ساختن کلمه‌ها و تشخیص واژگان متنوع به شکل زیر است.
منبع متن: دیوان زیبای جاودانه "منتخب ده دفتر شعر" شاعر: فریدون مشیری

عمر	یا	بر	دل	من	می‌نهد	ومی‌گذرد	خسته	شد	چشم
من	از	این	همه	پائیز	و بهار	نه	عجب	گر	نکنم
بر	گل	و گلزار	نظر	در	بهار	که	دل	نشکفتد	از
خنده	یار	چه	گند	با	رخ	پژمرده	من	گل	به
چمن	چه	گند	با	دل	افسرده	من	لاله	به	باغ
من	چه	دارم	گه	برم	در	بر	آن	غیر	از
اشک	وین	چه	دارد	گه	نهد	بر	دل	من	غیر
از	داغ	عمر	پا	بر	دل	من	می‌نهد	ومی‌گذرد	می‌برد
مژده	آزادی	زندانی	را	زودتر	کاش	به	سرمنزل	مقصود	رسد
سحری	جلوه	گند	این	شب	ظلمانی	را	پنجه	مرگ	گرفته

تعداد واژگان متنوع: پنجاه و نه (رک. مشیری، ۱۷: ۱۳۷۶).

ب - ۴) مرحله سوم: شیوه‌های محاسبه تنوع واژگان

جانسون چهار روش برای محاسبه تنوع واژگان پیشنهاد می‌کند که در این پژوهش تمامی آن‌ها را در ادامه معرفی خواهیم کرد.

ب - ۴ - ۱) روش اول: تعیین نسبت کلی تنوع (Over-All TTR)

در این روش نسبت واژگان متنوع با نسبت کل متن انتخابی محاسبه می‌گردد. برای انجام این روش ابتدا واژگان متنوع در کل متن را معین کرده و سپس عدد آن را تقسیم بر عدد واژگان کل متن می‌کنیم (رک. مصلوح، ۱۹۹۳م: ۹۶-۹۷).

مثال: اگر متنی داشته باشیم که از هزار واژه تشکیل شده باشد و عدد واژگان متنوع آن سیصد باشد، نسبت کلی تنوع آن به شکل زیر خواهد بود:

$$\frac{\text{Type}}{\text{Tokens}} = \text{Type-Tokenration} \quad \frac{300}{1000} = 3c$$

ب - ۴ - ۲) روش دوم: تعیین مقدار میانگین نسبت تنوع (The Average Segmental TTR)

برای به دست آوردن این مقدار میانگین، باید مرحله‌های زیر را انجام داد:

۱. تقسیم متن یا نمونه به اجزای هم اندازه؛
۲. محاسبه نسبت واژگان متنوع به مجموع کلی واژگان هر جزء؛
۳. به دست آوردن مقدار میانگین تنوع واژگان کل متن، به کمک ارزش میانگین تنوع هر جزء. این امر به وسیله جمع مقدار میانگین جزءهای مختلف و تقسیم آن بر عدد جزءهای تشکیل دهنده متن، به دست می‌آید.

مثال: اگر متنی را داشته باشیم که از پانصد واژه تشکیل شده باشد، این متن را به پنج جزء تقسیم می‌کنیم؛ به نحوی که هر جزء از صد واژه تشکیل شود و به عنوان مثال اگر عدد واژگان متنوع در اجزای پنج‌گانه این متن به ترتیب هفتاد و شصت و پنج و چهل و سی باشد، مجموع آن‌ها دویست و پنج می‌شود و با تقسیم این عدد بر پنج در عدد اجزاء، مقدار میانگین تنوع این متن که "پنجاه" است به دست می‌آید. هم‌چنین باید اشاره کنیم که برای رسیدن به این مقدار میانگین از عدد واژگان متنوعی که در خط زدن مرحله اول به آن‌ها می‌رسیم، استفاده می‌کنیم.

ب - ۴ - ۳) روش سوم: ترسیم نمودار کاهش پلکانی نسبت تنوع واژگان (The Decremental TTR Curve)

برای دست یافتن به این نمودار باید مرحله‌های زیر را انجام داد:

۱. تقسیم متن به اجزای هم اندازه؛
۲. محاسبه نسبت تنوع در جزء اول متن و این امر با تعیین واژگان متنوع و تقسیم

عدد آن بر عدد مجموع کلی واژگان این جزء به دست می‌آید؛

۳. تعیین تعداد واژگان متنوع جزء دوم از متن. در این مرحله نباید واژگان جزء اول را محاسبه کرد؛

۴. محاسبه نسبت تنوع در جزء دوم و این امر با تقسیم عدد واژگان متنوع این جزء به مجموع کلی واژگان جزء دوم به دست می‌آید؛

۵. همین روش را در مورد جزء سوم و سایر جزءها نیز انجام می‌دهیم.

مثال: اگر متنی را داشته باشیم که از چهارصد واژه تشکیل شده باشد آن را به چهار جزء تقسیم می‌کنیم و هر جزء از صد واژه تشکیل می‌شود و به عنوان مثال اگر تعداد واژگان متنوع در جزء اول هفتاد واژه و در جزء دوم شصت واژه و در جزء سوم پنجاه واژه و در جزء چهارم چهل واژه باشد، بنا بر آنچه گفتیم نمودار کاهش پلکانی نسبت تنوع واژگان به شیوه زیر محاسبه می‌گردد:

$$\frac{70}{100} = 0.7 \quad 1. \text{ نسبت تنوع جزء اول}$$

$$\frac{60}{100} = 0.6 \quad 2. \text{ نسبت تنوع جزء دوم}$$

$$\frac{50}{100} = 0.5 \quad 3. \text{ نسبت تنوع جزء سوم}$$

$$\frac{40}{100} = 0.4 \quad 4. \text{ نسبت تنوع در جزء چهارم}$$

ب - ۴ - ۴) روش چهارم: ترسیم نمودار تراکم نسبت تنوع واژگان (The

Cumulative TTR Curve)

برای دست یافتن به این نمودار باید مرحله‌های زیر را انجام داد:

۱. تقسیم متن به اجزاء هم اندازه؛

۲. محاسبه نسبت واژگان متنوع به مجموع کلی واژگان جزء اول؛

۳. در خصوص جزء دوم این امر با محاسبه نسبت واژگان متنوع این جزء "واژگانی

که در جزء اول به کار نرفته‌اند"، به مجموع کلی واژگان این جزء به دست می‌آید؛

۴. سپس عدد واژگان متنوع در جزء اول را با عدد واژگان متنوع جزء دوم جمع

می‌کنیم و عدد حاصل از جمع آن دو را تقسیم بر عدد مجموع کلی واژگان هر دو جزء می‌کنیم؛

۵. نسبت تراکم در جزء سوم با جمع تعداد واژگان متنوع جزء اول و دوم و سوم و تقسیم آن بر مجموع کلی واژگان هر سه جزء به دست می‌آید.

مثال: اگر متنی را داشته باشیم که از سیصد واژه تشکیل شده باشد آن را به سه جزء صد واژه‌ای تقسیم می‌کنیم و به عنوان مثال اگر تعداد واژگان متنوع در جزء اول هفتاد و در جزء دوم شصت و در جزء سوم پنجاه باشد، نمودار تراکم نسبت تنوع به شیوه زیر محاسبه می‌گردد:

$$\frac{50}{100} = 0.5 \quad 1. \text{ نسبت تنوع در جزء اول}$$

$$\frac{60}{100} = 0.6 \quad 2. \text{ نسبت تنوع در جزء دوم}$$

$$\frac{70+60}{200} = 0.65 \quad 3. \text{ نسبت تراکم تا پایان جزء دوم}$$

$$\frac{50}{100} = 0.5 \quad 4. \text{ نسبت تنوع در جزء سوم}$$

$$\frac{70+60+50}{100} = 0.6 \quad 5. \text{ نسبت تراکم تا پایان جزء سوم}$$

ب - ۵) مرحله چهارم: مقایسه نتایج

برای بررسی تنوع واژگان در سبک این سه شاعر و مقایسه میان آن‌ها، هر چهار روش پیشنهادی جانسون را به کار بستیم و برای توضیح بهتر نتیجه‌هایی که از خلال دو مرحله خط زدن واژگان تکراری به آن‌ها رسیدیم، جدول‌ها و نمودارهایی ترسیم کردیم که به درک درست‌تر آن‌ها کمک می‌کند. این چهار مرحله را بر روی سه هزار واژه از هر شاعر انجام دادیم. هزار واژه رهی معیری را از منبع: معیری، رهی. (۱۳۷۹). دیوان کامل: سایه عمر، آزاده، ترانه‌ها. به اهتمام کیومرث کیوان. تهران: چاپ مجید. (صفحات سی و یک تا شصت و شش) و هزار واژه هوشنگ ابتهاج را از منبع: ابتهاج، هوشنگ (۱۳۸۵). راهی و آهی (منتخب هفت دفتر شعر: سراب، شبگیر، زمین، چند برگ از یلدا، یادگار خون سرو، سیاه مشق، راهی و آهی). تهران: انتشارات سخن. چاپخانه مهارت.

۵۰ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی پژوهشی)، سال سوم، شماره ۲ (پیاوردی ۱۰)، زمستان ۱۳۹۱

چاپ سوم. (صفحات هفده تا هفتاد) و هزار واژه فریدون مشیری را از منبع: مشیری، فریدون. (۱۳۷۶). زیبایی جاودانه (منتخب ده دفتر شعر: تشنه توفان، گناه دریا، ابر و کوچه، بهار را باور کن، از خاموشی، مروارید مهر، آه باران، از دیار آشتی، با پنج سخن سرا، لحظه‌ها و احساس). تهران: انتشارات سخن. چاپ آزاده. چاپ اول. (صفحات هفده تا هفتاد و چهار) انتخاب کردیم. این گزینش تصادفی بود و هیچ شروطی را بر این انتخاب تحمیل نکردیم تا پژوهش از دقت و صحت بیش‌تری برخوردار باشد. در ادامه این جدول‌ها و نمودارها را برای روشن شدن نتیجه‌ها می‌آوریم.

جدول ۲. نسبت کلی تنوع واژگان در نمونه‌های سه‌گانه

نسبت کلی تنوع	نام
.۲۹	رهی معیری
.۲۷	فریدون مشیری
.۲۵/۵	هوشنگ ابتهاج

جدول ۳. نسبت تنوع با بهره‌گیری از ارزش میانگین در نمونه‌های سه‌گانه

نام	۱	۲	۳	۴	۵	۶	مقدار میانگین
رهی معیری	۷۳/۲	۶۹/۸	۷۶	۶۳/۴	۶۶/۸	۶۶/۲	۶۹/۲۳
فریدون مشیری	۶۷/۸	۶۹/۸	۷۱/۴	۶۶/۴	۶۶	۶۴/۲	۶۷/۶
هوشنگ ابتهاج	۶۸/۴	۷۲/۶	۷۲/۲	۶۹/۴	۷۲/۶	۶۸	۷۰/۵۳

(هر نمونه سه هزار واژه‌ای تقسیم بر سی جزء در شش مجموعه شده و هر مجموعه

از پانصد واژه تشکیل شده است)

جدول ۴. نسبت کاهش پلکانی تنوع واژگان در نمونه‌های سه‌گانه

نام	۱	۲	۳	۴	۵	۶
رهی معیری	۰/۵۴	۰/۳۲	۰/۲۶	۰/۱۸	۰/۲۵	۰/۱۷
فریدون مشیری	۰/۵۱	۰/۳۴	۰/۲۷	۰/۲۰	۰/۱۴	۰/۱۸
هوشنگ ابتهاج	۰/۴۶	۰/۲۹	۰/۲۷	۰/۱۷	۰/۱۸	۰/۱۵

(هر نمونه سه هزار واژه‌ای به شش جزء تقسیم شده و هر جزء از پانصد واژه تشکیل

شده است)

جدول ۵. نسبت تراکم تنوع واژگان در نمونه‌های سه‌گانه

نام	۱	۲	۳	۴	۵	۶
رهی معیری	۰/۵۴	۰/۴۳	۰/۳۷	۰/۳۳	۰/۳۱	۰/۲۸
فریدون مشیری	۰/۵۱	۰/۴۳	۰/۳۷	۰/۳۳	۰/۲۹	۰/۲۷
هوشنگ ابتهاج	۰/۴۶	۰/۳۷	۰/۳۴	۰/۳۰	۰/۲۷	۰/۲۵

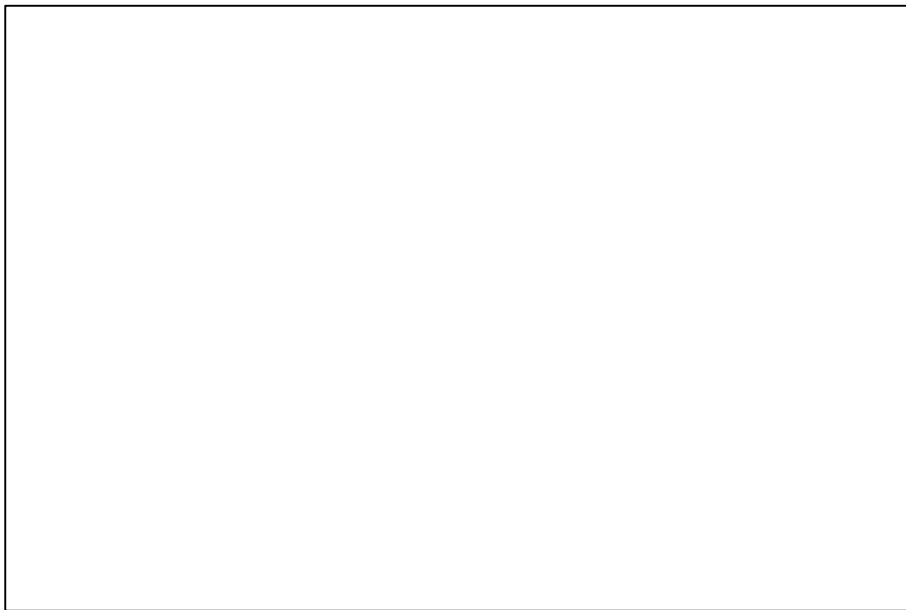
(هر نمونه سه هزار واژه‌ای به شش جزء تقسیم شده و هر جزء از پانصد واژگان

تشکیل شده است)



شکل ۱. نمودار نسبت کاهش پلکانی در نمونه‌های سه‌گانه

در این مرحله اعداد جدول شماره چهار یا همان جدول نمودار کاهش پلکانی واژگان را که قبلاً آوردیم به صورت نمودار ترسیم می‌کنیم. روشن است که مشاهده نمودار به درک واضح‌تر این نتیجه‌ها کمک شایانی خواهد کرد. این نمودار می‌بین چگونگی کم شدن ثروت واژگانی هر شاعر، در متن انتخاب شده است و روشن می‌سازد که هر شاعر چگونه ذخیره لغوی خویش را در متن به کار می‌برد. بدیهی است هر میزان متن انتخاب‌شده، بیش‌تر باشد این نمودار انحنا و شیب بیش‌تری خواهد داشت.



شکل ۲. نمودار نسبت تراکم در نمونه‌های سه‌گانه

در این مرحله اعداد جدول شماره پنج یا همان جدول تراکم واژگان را که پیش از این آوردیم، به صورت نمودار ترسیم می‌کنیم. این نمودار نشان می‌دهد که در دو مرحله خط زدن واژگان تکراری، هر جزء از چه میزان واژه متنوع برخوردار است. تفاوت این نمودار با جدول شماره سه "نسبت تنوع با بهره‌گیری از ارزش میانگین" در این است که در جدول مذکور فقط واژگان متنوع هر جزء که در مرحله نخست خط زدن به دست

می‌آید، مشخص می‌شود ولی این نمودار مبین واژگان تکراری هر جزء پس از دو مرحله خط‌زدن است.

نتیجه

پس از بررسی نمونه‌های شعری این سه شاعر، به این نتیجه رسیدیم که سبک شعری رهی معیری (۰/۲۹) بیش‌ترین نسبت کلی تنوع واژگان را نسبت به دو شاعر دیگر به خود اختصاص داده است و پس از آن فریدون مشیری (۰/۲۷) جایگاه دوم را در اختیار دارد و کم‌ترین نسبت کلی تنوع واژگان مربوط به هوشنگ ابتهاج (۰/۲۵) است. تفاوت میان تنوع واژگان هر سه شاعر آنقدر زیاد نیست که بتوان آن را برای یکی از ایشان، ویژگی سبکی خاصی در مقایسه با دیگری برشمرد. این نتیجه می‌تواند علل مختلفی داشته باشد:

۱. احتمال دارد سبب این تفاوت اعداد به انتخاب نمونه‌ها برگردد و به سخن دیگر تنها در حدّ همین مقدار از کلام، رهی معیری تنوع واژگانی بیش‌تری نسبت به دو شاعر دیگر داشته باشد و سبک فریدون مشیری از تنوع واژگانی بیش‌تری نسبت به هوشنگ ابتهاج. با توجه به اختلاف اندک میان سه شاعر، احتمال دارد با تغییر نمونه‌های انتخابی این تنوع به نفع شاعر دیگر تغییر یابد.

۲. احتمال دیگر این است که در حقیقت سبک شعری رهی معیری نسبت به دو شاعر دیگر و سبک شعری مشیری نسبت به ابتهاج تنوع واژگانی بیش‌تری داشته باشد.

۳. احتمال دیگر این است که قالب شعری این شاعران منجر به این اختلاف شده باشد. رهی معیری در قالب سنتی شعر می‌سرود که ملتزم به آوردن قافیه در پایان هر بیت است و از آنجا که اساس بر این است که این واژگان قافیه نباید تکراری باشند، همین امر احتمال دارد منجر به مقداری افزایش تنوع واژگان سبک وی نسبت به دو شاعر دیگر شده باشد. حال آن که دو شاعر دیگر اشعار خود را در قالب شعر نو

سروده‌اند و از این روی ملترم به آوردن چنین قافیه‌هایی نبوده‌اند. به نظر ما هیچ یک از موارد فوق غیرممکن نیست، ولی نباید با قطعیت و عجلولانه قضاوت کرد.

ارزش میانگینی تنوع واژگان سبک شعری رهی معیری (۶۹/۲۳) و فریدون مشیری (۶۷/۶) و هوشنگ ابتهاج (۷۰/۵۳) است. اختلاف این اعداد نیز آنقدر زیاد نیست که یک ویژگی سبکی خاص برای هر کدام در مقایسه با دیگری به‌شمار آید.

نمودار کاهش پلکانی بیان‌گر چگونگی کاهش ثروت واژگانی هر شاعر در متن انتخابی است. در حالی که نمودار مشیری و ابتهاج در یک کاهش تا حدی منظم، رو به افول می‌گذراند ولی این امر در خصوص رهی معیری متفاوت است و گاهی نمودار بسیار شیب می‌یابد و پس از آن روند صعودی می‌یابد. این امر در جزء سوم، چهارم و پنجم نمودار خودنمایی می‌کند. علل این مسأله را می‌توان این‌گونه توصیف کرد:

۱. احتمال دارد فقط در نمونه‌های انتخابی، این امر رخ داده باشد و با تغییر نمونه‌ها

این ویژگی تکرار نشود.

۲. احتمال دیگر این است که سبک شعری معیری این‌گونه است که غنای لغوی وی

با مقداری تفاوت کاهش می‌یابد. با این همه نمودار کاهش پلکانی شعر وی از نوسان بیش‌تری نسبت به دو شاعر دیگر برخوردار است.

نمودار تراکم تنوع واژگانی، مبین این است که بیش‌تر اجزاء نمونه اشعار معیری و مشیری شبیه یک‌دیگر هستند تا جایی که در شش جزء، سه تای آنها "دو، سه و چهار" به‌طور کامل با هم مطابقت دارند و دو جزء دیگر "شش و پنج" اختلاف اندکی با هم دارند. تراکم تنوع واژگانی هر جزء ابتهاج از اجزاء مشابه دو شاعر دیگر کم‌تر است.

ولی این اختلاف نیز کم است و احتمال می‌رود که این شباهت‌ها و تفاوت‌ها تصادفی باشد و با تغییر نمونه‌های اشعار، تنوع کلی تنوع واژگان و به تبع آن نمودار تراکم واژگانی به نفع یکی از این شاعران تغییر کند. در پایان بیان می‌کنیم که مقدار واژگان متنوع در تمام متن بسیار کم‌تر از واژگان متنوع نمونه انتخابی است، چرا که احتمال

تکرار این واژگان با طولانی شدن متن بیش تر می شود و به احتمال بیش تر بخش ها از واژگانی تشکیل می شود که سابقه ورود در متن را دارند و انتظار می رود که نمودارها با ارزش تنوع واژگانی بیش تری شروع شده و هر مقدار که در متن پیش برویم رو به افول بگذارد. این مطلب در نمودارهایی که ترسیم کرده ایم قابل رؤیت است. هم چنین ارتباط استواری میان تنوع واژگان و ساده کردن کلام وجود دارد، چرا که هر مقدار که تنوع واژگان بیش تر گردد، سبک دشوارتر می شود و عکس آن نیز صادق است. البته باید پذیرفت که این یک قاعده و قانون کلی و غیرقابل ردّ نیست بلکه در اغلب موارد چنین حالتی صادق است. این پژوهش به دنبال مدح شاعری و ذم دیگری نیست و قصد ندارد کسی را بر دیگری برتری دهد، چرا که برای دادن چنین نظریه هایی امور بسیار دیگری را باید لحاظ کرد. از این روی در این پژوهش فقط درصدد مقایسه میان این سه شاعر با یک شیوه آماری "مقایسه تنوع واژگان در سبک شعر" هستیم.

پی‌نوشت

۱. حجم ثروت واژگانی (Vocabulary Size): شیوه به کارگیری این ثروت به هنگام خلق یک اثر.

منابع

الف) کتاب‌ها:

۱. ابتهاج، هوشنگ. (۱۳۸۵). راهی و آهی (منتخب هفت دفتر شعر: سراب، شبگیر، زمین، چند برگ از یلدا، یادگار خون سرو، سیاه مشق، راهی و آهی). ج ۳. تهران: سخن.
۲. ابن ذریل، عدنان. (۲۰۰۰م). النص والأسلوبية بين النظرية والتطبيق. دمشق: منشورات اتحاد كتاب العرب.
۳. احمدی گیوی، حسن و انوری، حسن. (۱۳۸۵). دستور زبان فارسی ۱. ویرایش سوم. تهران: چاپ فاطمی.
۴. الأفلاکی، شمس‌الدین احمد. (۱۳۶۲). مناقب العارفين. تصحیح تحسین یازچی. ج ۲. تهران: دنیای کتاب.
۵. التنوچی، محمد. (۲۰۰۳م). معجم العلوم العربية. ط ۱. بیروت: دارالجيل.
۶. الشایب، احمد. (۱۹۹۵م). أصول النقد الأدبی. ط ۵. القاهرة.
۷. حلمی، خلیل. (۱۹۸۰م). الكلمة: دراسة لغوية و معجمية. القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۸. خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل بن علی نجار. (۱۳۷۳). دیوان. تصحیح ضیاء‌الدین سجادی. ج ۴. تهران: زوآر.
۹. خفاجی، محمد عبدالمنعم. السعدی، فرهود محمد. شرف، عبدالعزیز. (۱۴۱۳هـ ق-۱۹۹۲م). الأسلوبية و البیان العربي. بیروت: الدار المصرية اللبنانية.
۱۰. زرقاتی، سید مهدی. (۱۳۸۷). مجموعه شعر معاصر ایران. ج ۳. تهران: چاپ رهنما.
۱۱. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۵). کلیات سبک‌شناسی. ج ۴. تهران: چاپخانه رامین.
۱۲. عابدی، کامیار. (۱۳۷۷). در زلال شعر (زندگی و شعر هوشنگ ابتهاج). تهران: چاپ ثالث.
۱۳. عبداللطیف، محمد حماسة. (۲۰۰۱م). الإبداع الموازی. التحليل النصی للشعر. القاهرة: دار غریب للطباعة و النشر و التوزیع.
۱۴. عنصری بلخی. (۱۳۴۲). دیوان. تصحیح محمد دبیرسیاقی. تهران: کتابخانه سنائی.
۱۵. عیاد، شکری محمد. (۱۹۸۲م). مدخل إلى علم الأسلوب. الرياض.
۱۶. فضل، صلاح. (۱۴۱۹هـ ق-۱۹۹۸م). علم الأسلوب مبادئه و إجراءاته. ط ۱. القاهرة: دار الشروق.
۱۷. مشیری، فریدون. (۱۳۷۶). زیبای جاودانه منتخب ده دفتر شعر (تشنه توفان، گناه دریا، ابر و کوچه، بهار را باور کن، از خاموشی، مروارید مهر، آه باران، ازدیوار آشتی، با پنج سخن سرا، لحظه‌ها و احساس). تهران: انتشارات سخن. چاپ آزاده. چاپ اول.
۱۸. مصلوح، سعد. (۱۹۹۳م). فی النص الأدبی دراسة أسلوبية إحصائية. القاهرة: عین للدراسات و البحوث الانسانية و الاجتماعية ط ۱.
۱۹. مصلوح، سعد. (۱۴۱۲هـ ق-۱۹۹۲م). الأسلوب: دراسة لغوية إحصائية. ط ۳. القاهرة: عالم‌الكتاب.
۲۰. معیری، رهی. (۱۳۷۹هـ ش). دیوان کامل: سایه عمر، آزاده، ترانه‌ها. به اهتمام کیومرث کیوان. تهران: چاپ مجید.
۲۱. مهاجر، مهران و نبوی، محمد. (۱۳۷۶). به سوی زبان‌شناسی شعر. تهران: مرکز.
۲۲. نظامی گنجه‌ای، الیاس بن یوسف. (۱۳۸۶). خسرو و شیرین. تصحیح بهروز ثروتیان. تهران: امیرکبیر.
۲۳. یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۷). جویبار لحظه‌ها (ادبیات معاصر ایران). ج ۱۰. تهران: چاپ نماد.
۲۴. یوسفی، غلامحسین. (۱۳۷۰). چشمه روشن (دیداری با شاعران). ج ۳. تهران: پاییز.

پژوهشی در تنوع واژگان شعری • دکتر ابراهیم اناری بزجلوئی، احمد امیدوار • صص ۳۱-۵۷ □ ۵۷

(ب) مقالات:

۲۵. سمیعی (گیلانی)، احمد. (۱۳۸۶). "مبانی سبک‌شناسی شعر". در مجله ادب پژوهی. شماره ۲.

۲۶. قبادی، فرزانه. "سبک‌شناسی". در مجله نامه فرهنگستان. شماره ۴/۷.

(پ) منابع الکترونیکی:

۲۷. السقیلی، أسماء. (۲۰۰۵م.). المنهج الاسلوبی دراسة موجزة. موقع رابطة رواء للادب الإسلامی و لغة القرآن.

(www.rouwaa.com)